

یادداشت سند پایه؛

پیشینه خدمتگزاری بانوان در آستان مقدس فاطمی (سلام الله علیها) بر پایه سند مالی ۱۱۳۹ قمری^۱

بارگاه ملکوتی و فیض آثار حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در شهر مقدس قم، از آغاز فرود آمدن آن هودج قدسی در خاک این دیار تا به امروز، همواره کانون بالندگی معرفتی، تشعشع انوار ولایی و منشأ دگرگونی‌های عظیم فرهنگی و تمدنی در جهان تشیع بوده است. در این میان، حضور و نقش‌آفرینی بانوان در حریم این بانوی کرامت، نه امری حاشیه‌ای و عارضی؛ که خود جلوه‌ای درخشان از تکریم، عاملیت و کنشگری اجتماعی و هویت‌بخشی به زن مسلمان در پناه ولایت اهل بیت (علیهم السلام) به شمار می‌رود.

ریشه‌های این حضور و پیشگامی، به همان روزهای نخستین ورود کریمه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) به دارالمؤمنین قم بازمی‌گردد؛ آن‌گاه که شیرزنان اشعری قم به استقبال آن هودج قدسی شتافته و دور آن بانوی مهاجره را گرفتند و در بیت‌النور، در محضر پرنور ایشان از سرچشمه علوم، معارف و احادیث علوی بهره‌مند شدند. پس از رحلت شهادت‌گونه آن بانوی مهاجره، همین زنان مومن به همراه بانوان جلیل‌القدر و امام‌زادگانی که در رکاب آن حضرت بودند، افتخار خادمی و پاسداری از مرقد مطهر ایشان را بر عهده گرفتند. این سنت مبارک در دهه‌های پس از سال ۲۵۶ قمری با هجرت فرخنده مخدرات خاندان عصمت و طهارت، به‌ویژه حضور بانو زینب دختر امام جواد (علیهما السلام)، دختران مکرمه حضرت موسی مبرقع (ع) و دیگر بانوان فاطمی، استمرار یافت؛ به‌طوری‌که حضرت زینب بنت‌الجواد (علیهما السلام) به همراه برادر بزرگوارشان، نخستین قبه و بنای بارگاه را بر فراز مرقد مطهر را بنا نهادند و در کسوت خادم و متولی این آستان مقدس نقش‌آفرینی کردند. این جریان اصیل خدمتگزاری بانوان در قرون متمادی تا به امروز تداوم یافته است که از جلوه‌های بارز آن می‌توان به موقوفات ارزشمند بانوان در گذشته (که برخی از آن‌ها در موزه این آستان مقدس نگهداری می‌شود) و نیز مشارکت فعال آنان در ساخت‌وساز گنبد و بارگاه فاطمی، از عهد حضرت زینب بنت‌الجواد (علیها السلام) گرفته تا بیگم‌خانم خواهر شاه طهماسب و اعصار بعدی، اشاره نمود.

اگرچه در مطالعات تاریخ اجتماعی و اداری، پیوسته از دیوان‌سالاری‌های کهن تصویری تماماً مردانه ترسیم شده است، اما بازخوانی اسناد نویافته و دفاتر استیفای دیوانی کهن، خط بطلانی بر این پیش‌داوری‌ها می‌کشد. گرچه این جریان اصیل عاملیت و حضور اجتماعی بانوان در عرصه خدمتگزاری، در دوران سیاه پهلوی و به تبع سیاست‌های

۱. سندپژوه و نویسنده: محمدباقر مشکاتی

دین‌زدایی و محدودیت‌زا مثل کشف حجاب اجباری و به دلایل دیگر به رکود و کم‌رنگی گرایید، اما با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و در پرتو گفتمان دینی نظام اسلامی، بار دیگر احیا و بسیار پررنگ‌تر و قانون‌مندتر گردید؛ تا جایی که هم‌اینک ده‌ها بانوی خادم رسمی و چندین هزار خادم افتخاری بانو در این حرم نورانی به خدمتگزاری خالصانه به زائران و مجاوران اشتغال دارند.

نوشتار سندپایه حاضر با اتکا به اسلوب پژوهشی همسویی شواهد و با تکیه بر یکی از کهن‌ترین دفاتر جمع و خرج به‌جامانده از عصر صفوی، پرده از حقیقتی ماندگار برمی‌دارد؛ حضور رسمی، حقوق‌بگیر و تخصصی بانوان در نظام خدمتگزاری آستان فاطمی؛ واقعیتی ریشه‌دار که پیش‌درآمدی کهن بر تجلی امروزی الگوی سوم زن مسلمان در عصر انقلاب اسلامی و بستر تمدن نوین اسلامی است.

روش‌شناسی تحلیل؛ هویت‌بخشی از طریق مناصب

در میان اسناد دیوانی و مالی آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (سلام‌الله‌علیها)، «نسخه مداخل و مخارج ۱۱۳۹ قمری» جایگاهی ممتاز دارد. این سند سیاقی که در سال‌های پایانی عصر صفوی و در شرایطی خاص (هجوم افغان‌ها به ایران) تنظیم شده است، تصویری معنادار از «نظام بودجه ریزی»، «نظم اداری» و «تقسیم کار تخصصی» در تشکیلات آستانه را ارائه می‌دهد. بخشی از اهمیت این سند در این است که خادمان را نه با نام‌های متفرقه، بلکه با «پسوند شغلی» (به عنوان شاخصه اصلی هویت اداری) ثبت کرده است. بررسی و تحلیل این سند، حقیقت درخشان سابقه حضور رسمی و حقوق‌بگیر بانوان در بارگاه فاطمی را به اثبات می‌رساند.

مستوفیان و مشرفان در این سند، با دقت دیوانی، نام افراد را همراه با عنوان شغلی‌شان آورده‌اند. از آنجا که این سند در ماه‌های پایانی سال ۱۱۳۹ تحریر شده و حتی افرادی که مقرری خود را دریافت نکرده بودند در آن ثبت شده‌اند، از «جامعیت» بالایی برخوردار است. عباراتی نظیر «سایر جماعت که از سرکار موظف و سمت خدمت و ملازمت ندارند» در پایان سند، به‌روشنی مرزبندی میان «خادمان رسمی» و «سایرین» را مشخص می‌کند؛ بنابراین تمامی اسامی پیش از این عنوان، جملگی در جرگه صاحبان مناصب و مشاغل رسمی آستان بوده و حقوق و مواجب مشخصی دریافت می‌کرده‌اند.

متن بازخوانی‌شده سطور ناظر بر خدمت بانوان

برای صیانت از اصالت متن، عین عبارات بازخوانی شده از سند مالی و اداری آستان مقدس فاطمی در واپسین سال‌های عصر صفوی (سنه ۱۱۳۹ ق)؛ «نسخه مداخل و مخارج هذه السنه سرکار فیض آثار آستانه مبارکه مقدسه

عرش درجه حضرت معصومه علیها السلام فی لوی ٹیل ۱۱۳۹» که دو صفحه آن ناظر بر مشاغل، عناوین و ارقام مرتبط با بانوان است در این بخش ارائه می گردد:

۱. در صفحه ۵ سند مزبور (ذیل عنوان خدام و سایر خدمه):

«ذکور نقد: ۳ قران جنس: ۸۰۰ من

اولاد میرزا زکی: نقد: ۳ قران جنس: ۳۰۰ من

استاد فضل اله مباشر جنس ۵۰۰ من

اناث

ام کلثوم کفشدار زنانه: ۱۵۰ من

۲. در صفحه ۷ سند مذکور (ذیل عنوان مخارج / وظیفه / خدام / سایر خدمه):

بیاض

«اناث: دو نفر:

نقد: ۹۱۶۵ دینار جنس: ۲۵۰ من

خدیجه بیگم فراش درون مرقد مطهر :

نقد: ۲۵۰۰ دینار جنس: ۲۵۰ من

عزت نسا زیارت نامه خوان:

نقد: ۲ تومان و ۶۸۰ دینار جنس: ۱۱۸ من مقررا ۶۶۶۵ دینار

سایر جماعت که از سرکار موظف و سمت خدمت و ملازمت ندارند: نقد: ۶ تومان و ۴۷۷۵ دینار جنس: ۲۲۳۸ من»

سه منصب تخصصی بانوان خادم در آستان فاطمی؛ در دوره صفوی

بر پایه داده‌های استخراج شده از صفحات ۵ و ۷ این سند، بانوان خادم در سال ۱۱۳۹ قمری در سه منصب کلیدی

که نشان دهنده □ تفکیک دقیق حوزه‌های خدمتی است، به فعالیت اشتغال داشته‌اند:

بانو عزت نسا (زیارت نامه خوان): ثبت نام ایشان با حقوق مشخص (نقد و جنس)، نشان دهنده ارائه خدمت

فرهنگی و معنوی زیارت نامه خوانی است. در دوره‌ای که بخش بزرگی از جامعه توانایی خواندن روان متون زیارتی را

نداشتند، حضور بانوانی به عنوان زیارت نامه خوان، تأمین کننده نیازهای معنوی زائران زن بوده است. اختصاص یک

فرد به این منصب، قرینه‌ای قوی بر وجود فضای مجزا و مدیریت شده برای زیارت بانوان در عصر صفوی است.

بانو خدیجه بیگم (فراش درون مرقد مطهر): در حالی که فراشان مرد وظایف محیطی و بیرونی را بر عهده داشته‌اند، حضور «خدیجه بیگم» به عنوان تنها خادم فراش در «درون مرقد»، نشان‌دهنده رویکرد حفاظتی و حفظ حرمت حریم ضریح مطهر فاطمی است. این تخصیص خدمت به بانوان در درون حرم، نشان می‌دهد که در نظام صفوی، نوعی تقسیم کار مبتنی بر حریم‌داری و رعایت ملاحظات شرعی و اخلاقی در لایه‌های مدیریتی حرم مطهر (به ویژه ضریح مقدس) برقرار بوده است.

بانو ام‌کلثوم (کفشدار زنانه): ذکر نام ایشان در صفحه ۵ سند، مهر تأییدی بر ساختار منسجم ورود و خروج بانوان به حرم فاطمی است. وجود منصب «کفشدار زنانه» یعنی آستان در آن دوره دارای سازوکاری مشخص برای تفکیک بخش‌های خدماتی (زنانه/مردانه) بوده است که در نهایت به تکریم زائران زن و حفظ نظم عمومی حرم کمک می‌کرده است.

گرچه سرفصل این سندپژوهی بر اسناد عصر صفوی متمرکز است، اما این یافته‌ها ریشه در سیره تمدنی حضور زنان در اماکن مقدسه دارد. حضور واژه «اناث» در قالب عبارت «سایر خدمه» در این سند، نشان می‌دهد که خدمت بانوان در بارگاه فاطمی نه یک اتفاق؛ یک سیاست نهادینه و دیرینه بوده است. این سابقه تاریخی در دوره‌های بعدی نیز استمرار یافت و در عصر حاضر به شکوفایی رسید؛ به گونه‌ای که پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه از دهه هفتاد شمسی، این سنت تاریخی با جذب خادمان رسمی زن، بازتولید و گسترش یافت. امروزه، حضور ده‌ها خادم رسمی و هزاران خادم افتخاری زن در بارگاه دختر موسی بن جعفر (ع)، در واقع امتداد همان تشکیلات تخصصی است که ریشه‌های آن را در اسناد مالی ۱۱۳۹ قمری به وضوح می‌توان یافت.

یافته‌ها و واکاوی‌های سندی و ساختاری (درون‌متنی)

بازخوانی سند جمع و خرج سال ۱۱۳۹ قمری و تحلیل‌های متنی به وضوح نشان می‌دهند که ثبت و درج نام بانوان خادم در سند جمع و خرج آستان مقدس فاطمی، یک یادداشت جانبی و متفرقه نبوده و منطبق بر یک نظام حسابرسی دقیق، نهادمند و دارای ضوابط روشن دیوانی (اداری) بوده است. واکاوی درون‌متنی این سند، ابعاد زیر را تبیین می‌نماید:

- ۱. تفکیک حقوقی جنسیت در سرفصل‌های دفتری:** ثبت دو عنوان متمایز «ذکور» و «اناث» (ص ۵ و ۷ سند)، نشان از وجود دسته‌بندی جنسیتی در فرم‌های حسابرسی صفوی دارد. این مرزبندی دقیق اداری نشان می‌دهد که سیستم استیفای آستانه در دوره صفوی، سهم پرسنلی و حقوقی زنان را در سازوکار مستقل و نظام‌مند مدیریت می‌کرده و پرداخت‌های آنان را با قواعد حسابداری مشخص‌شده سامان بخشیده است.

۲. رسمیت مدنی و عدم استفاده از القاب مبهم: ذکر صریح نام‌های «خدیجه‌بیگم»، «عزت‌نسا» و «ام‌کلثوم» به جای تعابیری چون «عیال فلان» یا «ضعیفه»، سند استقلال هویت اجتماعی زن است. این شیوه نگارش در متون مالی و دیوانی آن روزگار، گواهی روشن بر تشخیص مدنی، استقلال هویتی و به رسمیت شناختن جایگاه حقوقی و فردی زن مسلمان در سایه فرهنگ اهل‌بیت (علیهم السلام) به شمار می‌رود.

۳. تخصیص پسوند شغلی تخصصی: ثبت دقیق مناصب «فرش درون مرقد مطهر»، «زیارت‌نامه‌خوان» و «کفشدار زنانه» حکایت از تعریف شرح وظایف مدون دارد. این عناوین مأموریتی نشان می‌دهند که حضور بانوان در آستانه صرفاً یک خدمت عمومی و مبهم نبوده، و هر یک از آنان در چارت سازمانی حرم دارای پستی تعریف‌شده، وظایفی معین و مسئولیتی خاص بوده‌اند.

۴. شخصیت مالی مستقل: دریافت مستقیم مواجب نقدی و جیره جنسی بدون واسطه مردان (پدر، همسر یا برادر). این واقعیت مالی نشان می‌دهد که زن در نظام اداری موقوفات از اهلیت کامل اقتصادی برخوردار بوده و حقوق و دسترنج خود را رأساً و بدون وابستگی حقوقی به قیم یا سرپرست مذكر تحویل می‌گرفته است.

۵. ارزش‌گذاری بالای خدمت در روضه منوره: تخصیص ۲۵۰ من غله به خدیجه‌بیگم که هم‌تراز و در مواردی بالاتر از خادمان مرد (مانند دربان با ۲۰۰ من و مشعل‌دار با ۳۰۰ من) است. این مقایسه آشکار می‌سازد که خدمت در کانون قدسی حرم فاطمی و نزدیک‌ترین نقطه به مضجع شریف، از ارزنده‌ترین پایه‌های خدمتی محسوب می‌شده و ارزش‌گذاری دستمزدها بر مبنای اهمیت جایگاه و نوع خدمت صورت می‌گرفته، نه بر اساس جنسیت خادم.

۶. حقوق ترکیبی نقد و جنس: ثبت تومان و دینار در کنار «من» غله، نشانه تأمین معیشت برای بانوان خادم است. ساختار مالی قدیم با پرداخت غلات، قوت غالب و نیاز بنیادین خوراک سالیانه را تضمین می‌کرده و با پرداخت وجه نقد، امکان تهیه مایحتاج زیستی، لباس و مسکن را برای خادمه فراهم می‌آورده است.

۷. اجرای قاعده تنخواه و قبض: بانوان خادم نیز مشمول قانون ارائه قبض ممهور جهت دریافت حقوق بوده‌اند و پرداخت بدون رسید صورت نمی‌پذیرفته است. این انضباط سخت‌گیرانه سندی بیانگر آن است که همان ضوابط دقیق حسابرسی و نظارت‌های سندی حاکم بر مردان خادم، در خصوص بانوان نیز با نهایت حرفه‌ای‌گری اداری و امضای اسناد تسویه اجرا می‌شده است.

۸. ثبت ستون «مقررا» برای عزت‌نسا: قید رقم «مقررا ۶۶۶۵ دینار» در برابر رقم وصولی، نشان از وجود حکم استخدامی پیشین (رقم دفتری) دارد. اصطلاح دیوانی «مقررا» در سنت استیفای صفوی دلالت بر این دارد که مواجب

او مصوبه رسمی و دائمی متولیان بالادست را داشته و یک پرداختی اتفاقی یا بخشش موقت نبوده، بلکه حق قانونی و اکتسابی وی به شمار می‌آمده است.

۹. حضور در بطن بحران کشور: پرداخت حقوق بانوان در سال قحطی و محاصره شهر (۱۱۳۹ ق) اثبات می‌کند خدمت بانوان در زمره اولویت‌های قطعی این آستان ملک پاسبان بوده است. در اوج فتنه و آشوب افغان‌ها و بحران‌های سهمگین اقتصادی، عدم حذف این ردیف‌های هزینه‌ای نشان می‌دهد که مدیریت حرم فاطمی، استمرار خدمت بانوان را رکنی بنیادین، حیاتی و تعطیل‌ناپذیر می‌دانسته است.

۱۰. شأن مذهبی زیارت‌نامه‌خوان: منصب زیارت‌نامه‌خوانی عزت‌نسا مستلزم سواد قرآنی و ادعیه‌خوانی بوده که رتبه علمی او را اثبات می‌کند. این وظیفه فراتر از خدمت فیزیکی بوده و نشان می‌دهد که او تبلیغ مذهبی، سواد دینی و توانایی قرائت صحیح متون عربی و زیارت‌نامه‌ها را برای زائران زن دارا بوده و نقش یک راهنمای معنوی و فرهنگی را ایفا می‌کرده است.

۱۱. مکان‌مندی منصب خدیجه‌بیگم: قید واژه «درون مرقد مطهر» دقیق‌ترین تعیین قلمرو مکانی خدمت در کل سند است. این دقت سندی پرده از این واقعیت برمی‌دارد که حریم مضجع و روضه منوره دارای مرزبندی و محدوده خدمتی خاص بوده و آراستگی و خدمات معنوی آن بخش حساس، مشخصاً به خادمه‌های مطمئن و محرم واگذار می‌شده است.

۱۲. حفاظت از ضریح توسط بانوان: اثبات این که نظافت، غبارروبی و رسیدگی به ضریح و مرقد شریف مستقیماً به دست بانوان مؤمنه انجام می‌گرفته است. این نکته تأیید می‌کند که طهارت، تنظیف و رتق وفتق امور در اطراف مرقد و ضریح منور در ساعات اختصاصی یا محدوده زنانه، با اعتماد کامل به این بانوان پرهیزگار سپرده می‌شده است.

۱۳. خدمت مستمر و سنواتی: کاربرد واژگان ناظر بر مقرری سالانه، ثبات شغلی این بانوان را نشان می‌دهد. این عبارات دفتری گواه آن است که خدمت خادمان بانو ماهیتی گذرا، فصلی، تشریفاتی و مقطعی نداشته است. آنان نیز دارای سنوات خدمت، استمرار شغلی و بازنشستگی سنتی در آستان فاطمی بوده‌اند.

۱۴. تراز مالی دقیق تا سقف دینار: تعیین حقوق عزت‌نسا به میزان ۲ تومان و ۶۸۰ دینار، دقت حسابداری را بدون تبعیض جنسیتی نشان می‌دهد. محاسبه ارقام تا خردترین واحد پولی عصر (دینار)، نشان از حساب‌کشی (سیاقی) ریاضی موشکافانه و عدم مسامحه یا پرداخت‌های تقریبی دارد که بازتابی از عدالت در حقوق اداری است.

۱۵. جایگاه اداری پیش از افراد غیرشاغل: قرار گرفتن نام بانوان پیش از عنوان «سایر جماعت که سمت خدمت و ملازمت ندارند»، رسمیت کادر اداری آنان را کاملاً تأیید می‌کند. در سلسله‌مراتب دفتری صفوی، این تقدم جایگاهی

نشان می‌دهد که بانوان مذکور عضوی رسمی از بدنه کارمندان موظف بارگاه بوده‌اند و با افراد غیرملازم و متفرقه تمایزی آشکار داشته‌اند.

۱۶. سازمان‌دهی امور خواهران: کفشداری ام‌کلثوم نشانه وجود درب ورود و خروج مجزا، راهروی اختصاصی و تشریفات منظم برای تشرف زنان است. این امر حاکی از یک مهندسی دقیق فرهنگی و مکانی در حرم مطهر است که به موجب آن مسیر تردد بانوان زائر با نهایت تکریم، نظم و رعایت حریم‌های شرعی توسط بانوی کفشدار اداره می‌شده است.

۱۷. حضور در دفاتر استیفای دیوان اعلی: این ارقام عیناً به تصدیق مستوفی دیوان رسیده و در «سواد حواله دوازده طغرا» درج گردیده است. (صفحه پایانی سند ۱۱۳۹ق.). تنفیذ ارقام در بالاترین مراجع دیوانی و ثبت آن در حواله‌های رسمی نشان می‌دهد که احکام خدمتی این بانوان از اعتبار بالای حکومتی و امضاهای حاکمیتی و تولیتی برخوردار بوده است.

۱۸. عدم انقطاع جیره در زمان نامزروعی مزارع: با وجود بایر ماندن مزارع براوستان و بندرآباد، جیره غلات بانوان از انبار مرکزی آستانه پرداخت شده است. این تصمیم مدیریتی نشان می‌دهد که حتی با آسیب دیدن املاک وقفی اصلی در کوران حوادث، مدیریت آستانه با استفاده از ذخایر غلات، پایداری معیشت خادمان زن را تضمین نموده و مانع انقطاع جیره آنان شده است.

۱۹. همسویی با حقوق سایر سادات و علما: نام بانوان در کنار مستمری خاندان‌های علمی و سادات بزرگ قم در یک سندگرد آمده است. ثبت مواجب این بانوان در کنار عالمان، مدرسان، خطبا و نقبای سادات شهر، از شأن و منزلت اجتماعی والای خادمان بانو و نگاه تکریم‌آمیز جامعه مؤمنان به این جایگاه زنان در آن دوره، حکایت دارد.

۲۰. استقلال ساختاری از موقوفات مشروط: طبق این سند، حقوق این بانوان از کل درآمدهای عمومی آستان پرداخت شده که حاکی از بودجه جاری و قطعی تشکیلات است. این ساختار بودجه‌ای اثبات می‌کند که تأمین معیشت بانوان خادم، به نوسانات یا عواید یک موقوفه خاص و محدود متکی نبوده، بلکه از ردیف بودجه‌های پایدار و مصارف حتمی آستان تأمین مالی می‌شده است.

یافته‌ها و واکاوی‌های تاریخی و تمدنی (فرامتنی)

بر پایه اسلوب همسویی شواهد، بازخوانی و مفاد این سند ابعاد فرامتنی و تمدنی عمیقی را در تاریخ جهان‌شهر مذهبی قم آشکار می‌سازد. این افق‌های تمدنی در پیوندی پیوسته و در سه لایه منطقی و تکاملی قابل واکاوی است؛ نخست در ساحت خاستگاه‌های معرفتی، قدسی و زیست‌مؤمنانه؛ سپس در عرصه ساختاری، نهادی و عاملیت اجتماعی

در متن تاریخ؛ و در نهایت در گستره و سیر تطور تاریخی، نقد گفتمان‌های معاصر و افق تمدنی آینده. این یافته‌ها و نکته‌ها در ۲۰ محور کلان هویتی و تمدنی بدین شرح است:

۱. **مکتب تمدن‌ساز حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام):** این سند نشان می‌دهد که مرقد مطهر بانوی کرامت، فراتر از کانون زیارتی، مبدأ تکوین هویت اجتماعی، کرامت انسانی و عاملیت مذهبی زن مسلمان بوده است. بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت (علیهم السلام) در امتداد هجرت تمدن‌ساز ایشان، محیطی امن و بالنده پدید آورد که در آن زن شیعی نه در حاشیه جامعه، که در متن مهم‌ترین نهاد مدنی و قدسی شهر قم به ایفای نقش اجتماعی، معنوی و هویتی پرداخت و جایگاه انسانی خود را در پرتو ولایت تثبیت کرد.

۲. **بازتولید عملی سیره حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام):** خدمتگزاری درون مرقد و مراقبت از بقعه مبارکه توسط بانوان، احیاگر و امتداد عینی سیره صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در صیانت و دفاع از ولایت، معارف و شعائر الهی است. این سنت متقن نشان می‌دهد که در منظومه معرفتی تشیع، حراست از حریم دخت موسی بن جعفر (علیهم السلام) و دختر فاطمه زهرا و خدیجه کبری (سلام الله علیهما)، بازتابی وفادارانه به ولایت و عرض ارادت و مودت به پیشگاه حضرت زهرا (سلام الله علیها) و تعظیم عملی شعائرالله است.

۳. **تقدس حریم فاطمی و طهارت و لطافت بانوانی:** مأموریت خدیجه‌بیگم در «درون مرقد» نشان می‌دهد چه بسا فقه شیعه و سنت صفوی، تماس فیزیکی و غبارروبی ضریح بانوی اهل بیت را شایسته دست‌های پاکیزه بانوان پرهیزکار می‌دانسته است. این تفکیک حکیمانه، هم بازتابی از رعایت اوج عفاف و طهارت ظاهری و باطنی در روضه منوره است و هم تکریم والای شأن مادری و زنانه در حریم ملکوتی دخت موسی بن جعفر (علیهم‌السلام) را به اثبات می‌رساند.

۴. **رسالت معرفت‌بخشی زیارت‌نامه‌خوان:** عزت‌نسا در مقام زیارت‌نامه‌خوان، در حقیقت واسطه فیض معرفتی و ارتقای سطح بینش توحیدی و ولایی بانوان زائر بوده و نوعی جهاد تبیین و انتقال معارف اهل بیت (علیهم السلام) را در حرم بر عهده داشته است. این خدمت سترگ نشان می‌دهد که زیارت در منظومه تمدنی شیعه؛ حرکتی معرفت‌بخش بوده که با هدایت کلامی و خوانش زیارت ماثوره توسط بانوان آگاه، فهم زائران نسبت به مبانی امامت و ولایت را تعمیق می‌بخشیده است.

۵. **تجربه معنوی ماندگار:** همواره خادمی بارگاه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) برای این بانوان، فراتر از یک ممر درآمد، یک «تجربه معنوی» ناب و سلوکی الهی برای تقرب الی الله به شمار می‌رفته است. این اشتغال

قدسی، سراسر زندگی فردی و باطنی خادم را به انوار کریمه اهل بیت (علیها السلام) متصل می‌ساخت و خدمتی را که در ظاهر یک وظیفه اداری ثبت می‌شد، به مرتبه‌ای از عرفان عملی و توشه ابدی ارتقا می‌بخشید.

۶. **مرکزیت بخشی به قم به مثابه جهان شهر تمدنی بانوان:** حضور رسمی بانوان در تشکیلات آستان، نشان می‌دهد شهر مقدس قم از دیرباز کانون جذب و بازتولید عاملیت مذهبی زنان در جهان تشیع بوده است. این سند شاهی است بر این که قم، تنها خاستگاه علوم حوزوی مردانه نبود؛ که از دیرباز مأمن و مرجع هویت‌یابی، رشد معنوی و تشخیص اجتماعی زنان مؤمنه در گستره جغرافیای جهان اسلام نیز به شمار می‌آمده است.

۷. **شکست انحصار مردانه در مشاغل مذهبی:** منصب زیارت‌نامه‌خوانی نشان داد تبلیغ دین و هدایت معنوی در محیط‌های زنانه، امری کاملاً تخصصی و زنانه بوده است. این ساختارسازی هوشمندانه ثابت می‌کند که جامعه مذهبی تشیع در عصر صفوی، آموزش و رهبری معنوی بانوان را به زنان شایسته و اهل فضل سپرده و از تحمیل واسطه‌گری‌های غیرضروری در فضای ویژه خواهران پرهیز داشته است.

۸. **امنیت اجتماعی و روانی زائران بانو:** وجود کفشداری زنانه توسط ام‌کلثوم، ایجاد محیطی امن، آرام و عاری از دغدغه را برای حضور فردی و خانوادگی زنان در حرم تضمین می‌کرده است. سازمان‌دهی مستقل ورودی‌ها و خدمات خواهران موجب می‌شد تا زنان با خیالی آسوده و در کمال وقار، بدون احساس هرگونه زحمت یا تراحم در مجامع عمومی، در عالی‌ترین سطوح آداب تشریف به فیض زیارت نائل گردند.

۹. **عقلانیت اداری و اخلاق فاطمی در دیوان‌سالاری دینی:** ترکیب دفاتر حسابرسی دقیق سیاق با خدمت مؤمنانه بانوان، الگویی موفق از تلفیق نظم محاسباتی با فرهنگ تکریم معنوی را ترسیم می‌کند. این هم‌پیوندی نشان می‌دهد که تشکیلات مذهبی در تمدن شیعی قادر بوده است نهایت انضباط مالی و حسابداری را در خدمت به حریم عصمت و ارتقای شأن بانوان عقیقه به کار گیرد.

۱۰. **پیوند خانواده و خدمت مذهبی:** ثبت سهم «اولاد» و خاندان‌ها در کنار مشاغل بانوان نشان می‌دهد خدمت به آستانه، شبکه‌ای از زیست مؤمنانه و پیوندهای مستحکم خانوادگی را پدید می‌آورده است. این هم‌پیوندی اداری و معنوی سبب می‌شد تا نهاد خانواده در پیرامون حرم قدسی مستحکم‌تر گردد و فرهنگ خدمتگزاری به آستان اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان یک افتخار موروثی و تربیتی، نسل به نسل در میان خانواده‌های قم انتقال یابد.

۱۱. **پایه‌گذاری فرهنگ وقف زنانه:** این سند زمینه‌ساز شناخت بانوانی است که علاوه بر خادمی، خود واقف املاک و باغات آستانه بوده‌اند (همچون باغ زاویه بیگمی). پیوند عمیق خادمی با سنت وقف نشان می‌دهد که زنان در

آن عصر، از توانمندی اقتصادی، درک عمیق نیکوکاری و اراده حقوقی برخوردار بودند و عواید اموال خود را برای پایایی فرهنگ ولایی جاودانه می‌ساختند.

۱۲. تأثیر تربیتی بر نسل‌های آینده: نسل برآمده از دامن بانوانی که خادم قرآن و عترت بوده‌اند، حافظان فرهنگ تشیع در قرون متمادی گردیدند. تربیت فرزندان در بیت‌هایی که مهد خدمت، ادب و تلاوت زیارت‌نامه بوده، زیربنای پرورش علما، مجاهدان و متدینانی شد که سنگر دفاع از کیان تشیع و حوزه علمیه قم را در اعصار پرآشوب حفظ نمودند.

۱۳. نقش‌آفرینی در استمرار مقاومت مدنی: در هنگامه فتنه افغان‌ها و فروپاشی پایتخت اصفهان، استمرار فعالیت بانوان خادم، چراغ مقاومت فرهنگی و پایداری روحی را در شهر قم روشن نگاه داشت. در روزگاری که ساختارهای کشوری دستخوش تزلزل شده بود، ثبات قدم و حضور زنان در اداره امور حرم فاطمی، مایه آرامش روانی، انسجام اجتماعی و حفظ روحیه پایداری مومنان گردید.

۱۴. پیوستگی تاریخی نهاد خدمت از عصر حضور تا دوران معاصر: امتداد این خدمت از عهد بانو زینب دختر امام جواد (علیهما السلام) تا عصر صفوی (۱۱۳۹ قمری) و پیوند آن با عصر حاضر، نشان‌دهنده جریان مستمر یک نهاد تمدنی خودجوش و ماندگار است. این زنجیره ناگسستگی گواه آن است که خدمت به آستان قدسی، جریانی عمیق در فرهنگ عمومی و دیوانی تشیع بوده که هیچ فراز و فرود سیاسی قادر به قطع آن نبوده است.

۱۵. افشای ماهیت ضدزن تجدد پهلوی: مقایسه این سند صفوی با دوران پهلوی اول نشان می‌دهد که سیاست کشف حجاب رضاخانی و سپس محدودسازی حضور خادمان زن در بقاع متبرکه، یک ارتجاع و ستم بزرگ بر سنت بالنده حضور اجتماعی زن عفیف ایرانی بوده است. این تقابل تاریخی آشکار می‌سازد که شبه‌مدرنیسم پهلوی نه در پی آزادی زن، بلکه درصدد سلب هویت ایمانی و آسیب‌زدن به حضور اصیل و آبرومندانه زنان محجبه در جامعه و اماکن مقدس بوده است.

۱۶. احیای تمدنی پس از انقلاب اسلامی: شکوفایی ده‌ها برابری خدمتگزاری بانوان در دهه‌های اخیر و سامان‌یافتگی هزاران خادم زن، پیوند دوباره جامعه انقلابی با ریشه‌های اصیل تمدن فاطمی است. انقلاب اسلامی با بازخوانی اصیل اسلام ناب، بستری بی‌بدیل فراهم آورد تا زن مسلمان بتواند با حفظ کرامت و حجاب کامل، در عالی‌ترین ارکان مدیریتی، فرهنگی و اجرایی آستان مقدس به خادمی بپردازد و تمدن نوین اسلامی را بارور سازد.

۱۷. ابطال تز شرق‌شناسان مبنی بر انفعال زن شرقی: اسناد صفوی اثبات می‌کنند زن مسلمان قرن‌ها پیش از شعارهای مدرنیته، در عالی‌ترین نهادهای تمدنی و مذهبی کشور دارای سمت رسمی و مواجب دولتی بوده است.

این سند تاریخی تمامی ادعاها و فرضیات شرق‌شناسان و تجددزندگان را که مدعی انزوا و بی‌هویتی کامل زنان در جوامع سنتی و مذهبی پیشامدرن بودند باطل می‌سازد و اسناد غیرقابل‌انکار استقلال حقوقی و شغلی بانوان را پیش چشم محققان قرار می‌دهد.

۱۸. تحقق عینی «الگوی سوم زن مسلمان»: این داده‌های سندی دقیقاً الگوی سوم مدنظر رهبر معظم انقلاب را بازنمایی می‌کنند؛ الگویی که «نه شرقی و منفعل و خانه‌نشین مطلق» است و «نه غربی و ابزار دست نظامات سرمایه‌داری»، بلکه زنی عفیف، مؤمن، آگاه، شاغل در محیط قدسی و دارای استقلال مالی است. ثبت این سه منصب تخصصی در قرن دوازدهم هجری اثبات می‌کند که جامعه شیعی قرن‌ها پیش از نظریه‌پردازی‌های مدرن، الگویی متعالی از تلفیق عفاف، کنشگری فعال اجتماعی، سواد و عاملیت مدنی را در کانون بارگاه فاطمی به منصه ظهور رسانده بود.

۱۹. ترسیم منشور تمدنی کرامت زن در نظامات شیعی: در مجموع، بازخوانی این سند منشور روشنی از نگرش نظام تمدنی تشیع به کرامت، امنیت اقتصادی و حقوق اجتماعی زن به دست می‌دهد. این حقیقت تاریخی اثبات می‌کند که در تفکر اصیل اسلامی، زن نه ابزار اقتصادی و نه عنصری منفعل، بلکه انسانی به کمال رسیده، امین بیت‌المال، پاسدار حریم‌های قدسی و ستون فقرات هویت‌ساز جامعه اسلامی است.

۲۰. افق تمدنی بیانیه گام دوم: بازیابی این اسناد ارزشمند، پشتوانه تاریخی لازم را برای الگوسازی جهانی از زن مسلمان در گام دوم انقلاب اسلامی فراهم می‌آورد. در عصر تهاجم فرهنگی و بحران هویت زن در غرب، ارائه چنین مستندات درخشانی می‌تواند الگوی جامع تمدن اسلامی را به عنوان راهکاری زنده، عدالت‌محور و رهایی‌بخش به پیش چشم جوامع امروز بنشانند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

واکاوی «نسخه مداخل و مخارج ۱۱۳۹ قمری»، پرده از واقعیتی انکارناپذیر برمی‌دارد؛ نظام خدمتگزاری در آستان مقدس فاطمی از آغاز بر پایه کرامت انسانی، تقسیم کار تخصصی و عاملیت حقوقی و معنوی بانوان بنا نهاده شده است. حضور رسمی بانوانی چون «عزت‌نسا»، «خدیجه‌بیگم» و «ام‌کلثوم» در کسوت خادمی بارگاه ملکوتی حضرت فاطمه معصومه (سلام‌الله‌علیها)، نماد پیوند جاودانه فرهنگ حجاب و عفاف و فعالیت اجتماعی در پرتو بارگاه منور فاطمی است.

سند ۱۱۳۹ قمری، یک شناسنامه تاریخی برای خدمتگزاری بانوان در آستان فاطمی است. این سند نشان می‌دهد که در ساختار دیوانی صفویه، بانوان خادم علاوه بر اینکه حضوری مستمر و پایدار داشته‌اند، از «جایگاه شغلی مصوب»، «مقرری و حقوق مشخص» و «حیطه وظایف تخصصی» برخوردار بوده‌اند. این تقسیم کار هوشمندانه

(زیارت‌نامه‌خوانی، فراشی و حریم‌داری درون مرقد و کفش‌داری زنانه) گواه آن است که مدیریت حرم مطهر فاطمی، نیازهای معنوی، رفاهی و امنیتی زائران زن را با درایت تمام به رسمیت شناخته و با تکیه بر ظرفیت نیروی انسانی بانوان مدیریت می‌کرده است.

سنت اصیل خدمت بانوان، ریشه در استقبال و همراهی زنان اشعری قم در سال‌روز ورود بانوی تمدن ساز در سال ۲۰۱ ق و هجرت و هدایت‌گری بانوان فاطمی از نسل جوادالائمه (علیهم السلام) در نیم قرن پس از آن، به قم دارد؛ اگرچه حضور خادمانه زنان در دوران تجدد آمرانه پهلوی اول به دلیل سیاست‌های خلاف عفت و دینداری دچار افول گردید، اما با پیروزی انقلاب اسلامی تجدید حیات یافت و جان تازه گرفت؛ تا آنجا که امروزه حضور ده‌ها بانوی خادم رسمی و چندین هزار خادم افتخاری در این حرم اهل بیت (علیهم السلام)، تجلی عینی و پرشکوهی از «الگوی سوم زن مسلمان» را به منصه ظهور رسانده است. سند ۱۱۳۹ قمری. گرچه یک دفتر کهن و مستند مالی و بودجه‌ای و حاکی از وضعیت و فرهنگ عصر صفوی است؛ اما در واقع منشوری تاریخی و چراغ راهی هویتی برای احیاء و ساخت تمدن نوین اسلامی در افق بیانیه گام دوم است که اثبات می‌کند زن عفیف شیعی همواره در متن والاترین نهادهای اجتماعی، عاملی اثرگذار، صاحب‌نقش و تمدن‌ساز بوده است.

